

شوقات و باورهای مردمی شهر اراک
نقدهایی بر کتابهای نویسندگان اراک

یوسف نیکفام

www.ketab.ir

مشارکت اروا

۱۴۰۰

فهرست

۷.....	پیشگفتار.....
۱۳.....	شوقات و باورهای مردمی شهر اراک.....
۲۱.....	زبان اجتماع اراک.....
۲۷.....	چگونه یک نوجوان فولاد آبدیده شد؟.....
۴۱.....	روایت سرگشتگی، آوارگی و بی‌پناهی یک نسل.....
۵۵.....	سیر سفر یک رستم.....
۶۳.....	من، خودم نبودم.....
۷۱.....	زلزله‌ی و صمیمیت در واژه‌ها.....
۷۵.....	شاعرانه‌گی.....
۷۹.....	داستانی بومی.....
۸۵.....	داستان‌هایی از زندگی معاصر.....
۹۱.....	حفره‌ی بلا در خانواده‌ی فیروزی.....
۱۰۳.....	شروع یک نویسنده.....
۱۰۹.....	حکایت همچنان باقی است.....
۱۱۵.....	ماهی در رامگا.....

پیشگفتار

پیش از انتشار نخستین کار نوشتاری، چیزهایی می‌نوشتیم، چرک‌نویس‌هایی که بیشتر برای خودم بود و چندان اشتیاقی هم برای چاپش نداشتیم. مانند مجموعه داستانی که زنده‌یاد «نادر ابراهیمی» خواند و با توصیه‌های شفاهی و مکتوبش باعث شد تا چاپشان نکنم و سعی کنم با مطالعه بیشتر اصول را بیاموزم. در دوره داستان‌نویسی و فیلم‌نامه‌نویسی حوزه هنری تهران شرکت کردم و بسیار آموختم. فیلم‌نامه داستانی «زیر سایه عشق» نخستین کار نوشتاری‌ام بود که در سال ۱۳۶۸ در هفته‌نامه سروش به چاپ رسید. پس از آن با جدیت بیشتری در هفته‌نامه‌های استان مرکزی و نشریات کشور مانند «لاله سرخ»، «نوید»، «شهاب» و فصلنامه «ادبیات داستانی» آثاری با موضوعات داستان کوتاه، نقد ادبی و مقالات پژوهشی ادبی به‌ویژه با رویکرد اراک‌پژوهی منتشر کردم. بعدها با نشریات بسیاری همکاری کردم. نشریاتی همچون: عطر یاس استان مرکزی، وقایع استان مرکزی، اتفاق مرکزی، وهم سبز، اقلیم نقد، پیام بهارستان، پایاب، فرهیختگان.

نقطه عطف پژوهش‌های ادبی و هنری‌ام، آشنایی با دو چهره فرهنگی و ادبی شهر اراک، زنده‌یادان محمدرضا محتاط و مرتضی

ذبیحی بود. این دو عزیز سال‌ها در وادی پژوهش‌های اراک‌شناسانه و ادبی و فرهنگی گام‌های سترگی برداشته بودند و توانستند چراغ این راه ناهموار باشند. نخستین کتابم «طنزآوران اراک» حاصل همین درس‌آموزی و غوطه‌وری در دریای بی‌کران پژوهشگری بود. خوب به خاطر دارم، که در خانه مرتضی ذبیحی سخن از چهره شوخ‌طبع، شیرین و طنزناز شیخ اجل سعدی بود و اشتیاق من به جست‌وجو در این وادی که آن مرحوم ورق را با تیزی بی‌نی به سمتی دیگر برگرداند. «چرا روی طنز نویسندگان و طنزپردازان شهر خودمان کار نمی‌کنی؟!» و همین پیشنهاد شد، جرقه نخستین بیش از یک سال جست‌وجو و عاشقانه‌گی در متون کتاب‌ها و نشریات و ارتباط با صاحبان آثار طنز و شوخ‌طبعی در اراک. هر دوی این مردان فرهیخته روزگار ما، حین انجام کار و در پایان نظرات خود را در بهتر شدن و جامعیت بخشیدن به پژوهش ابراز کردند.

پس از انتشار طنزآوران اراک، با اشتیاق بیشتری به کارهای پژوهشی بعدی پرداختم. پس از آن، تشویق‌های چهره‌های فرهنگی شهر و غوطه‌خوردن شوق‌انگیز و تشنگی دانستن بیشتر نسبت به شهر و رویدادهای تاریخی آن و نیز آشنایی با چهره‌های فرهنگی کمتر شناخته شده و فراموش شده شهر به‌خصوص هنرمندان، صفحه گسترده‌ای از موضوعات را به رویم گشود. این تلواسه‌ها و تلوتلوخوردن‌ها و عطش دانایی با انتشار کتاب‌های بعدی تا حدودی

مرتفع می‌شد و با یافتن پاسخ سؤال‌هایی، همچنان سؤال‌های دیگری
 ذهنم را به خود مشغول می‌کرد.

در بخش مهمی از مقالات و نوشته‌هایم به نقد و بررسی کتاب
 پرداخته‌ام. بیشترین نقدها به آثار داستانی بوده است. بسیاری از
 کتاب‌های داستانی منتشره در استان مرکزی و به ویژه اراک را برای
 پژوهش داستان‌نویسی در استان مرکزی مطالعه کرده‌ام و به برخی از
 آن‌ها پرداخته‌ام. نقدهای مجموعه پیش رو نیز اغلب با چنین
 رویکردی انتخاب شده است.

به نظر می‌رسد، فضای داستان‌نویسی در استان مرکزی نسبت به
 دهه‌های گذشته پیشرفت محسوسی داشته است و جوانان مستعدی
 وارد این عرصه شده‌اند که می‌توان آثار آن‌ها را دنبال کرد و
 کتاب‌های نسبتاً خوبی نیز به زیور طبع آراسته شده است.

از میان آثار چاپ شده، کتاب‌های این نام‌ها را می‌توان جدی گرفت
 و منتظر آثار بهتری از آنان بود: محبوه می‌قدیری که با مجموعه
 داستان «شناس» خوش درخشید و آثار دیگرش مانند داستان بلند «و
 دیگران» نیز مورد استقبال قرار گرفت. محمد صالح علا (اعلائی) با
 نثری شاعرانه و بدیع مجموعه داستان‌هایی در چند سال اخیر منتشر
 کرده است. مجموعه داستان‌های حسن شکاری به‌ویژه رمان
 «ققنوس‌های عصر خاکستر» خواندنی و تأثیرگذار هستند و ماجرای چند
 اثر او در اراک جریان دارد و تلاش می‌کند با علاقه‌مندان داستان‌نویسی

در اراک ارتباط برقرار کند، رضا مهدوی هزاره که با «قصه‌های هزاره» بر پایه نوعی ادبیات بومی و روستایی با نثر تأثیرگذارش توانسته جایگاه خوبی را در این عرصه داشته باشد. ابوالفضل مجیدیان با مجموعه داستان‌های «زندگی مهتاب» و «رؤیای پری گیسو» نیز به‌طور جدی به داستان کوتاه می‌پردازد. رضا قاسمی که کارش را با خاطره‌نگاری دوران جنگ آغاز کرده بود با مجموعه داستان به‌هم‌پیوسته «از سه راه آذری تا منهن» اثری مورد توجه آفریده است. سید عطاءالله مهاجرانی با چند کتابش به‌ویژه داستان بلند «سهراب‌کُشان» در یادها مانده است. غلامرضا رضوانی با داستان‌هایی با ساختارهای خاطره‌ای و با تکیه بر خاطراتش به‌ویژه در «سبزه‌زمینی خورها» و «زنی که سبز شد» در این وادی قلم می‌زند. منصوره مهدوی هزاره در کتاب «تجربه‌های ناتمام از دنیای مدرسه» بر اساس تجربیاتش در محیط مدرسه به عنوان مشاور، کاری درخور انجام داده است. فریده شمس با داستان بلند «عزیزخان» نیز در این عرصه جدی وارد شده است. حسام‌الدین مطهری نیز جوانی است که با داستان بلند «کلت ۴۵» و چند اثر متأخرش خوش درخشیده است. غلامعلی ولاشجردی فراهانی با مجموعه داستان به‌هم‌پیوسته «انار تلخ» با استفاده از قلمی شیرین و جذاب توانسته تجربیات زندگی‌اش در نوجوانی را در قالبی داستانی بازگویی کند. ایرج احمدی هزاره با داستان‌های کوتاه روستایی‌اش و به‌ویژه با کتاب «اتوبوس هزاره» به گونه‌ای ساده‌نویسی دست یافته که می‌تواند با مخاطب به

خوبی رابطه برقرار کند. محمدعلی صادقی نیز پس از انتشار دو مجموعه داستان «مگس و نه داستان کوتاه دیگر» و «میهمانی شام»، نخستین داستان بلندش را با نام «کوچه فرشته» منتشر کرده که او نیز داستان‌هایش اغلب بر اساس خاطراتش شکل می‌گیرند.

و نام‌های دیگری نیز همچون قنبرعلی شفیعی، ابراهیم سابقی، اکرم گودرزی، پوریا سوری، اکبر قره‌داغی، موسی اکرمی چقاسیاهی، علیرضا کاکایی، حدیث رسولی، آزاده نجفی، مصطفی پاشنگ، زنده‌یاد مرتضی ذبیحی، زنده‌یاد عباس آذری، عبدالرضا چراغی، جمشید بهرامی، مجتبی هزاوه‌ای و ... که آثاری از آنان در مطبوعات و یا به صورت کتاب به چاپ رسیده که می‌توان جایگاهی در داستان‌نویسی استان برای آنان متصور بود. جوان‌های دیگری نیز در این وادی قلم زده‌اند و خواهند زد که امید است با شناخت کامل با لوازم نویسندگی و شگردها و نکات فنی و اصول حرفه‌ای آن وارد میدان شوند.

یوسف نمک‌فام، دی ۱۳۹۹.